

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در جهان، تغییر گفتمان حاکم بر جهان

ویژه جوان

ارائه محتوا جهت استفاده
مربیان، ائمه جماعت و والدین محترم
www.SalehinZn.ir



فهرست

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در جهان، تغییر گفتمان ماکم بر جهان.....	۳
۱) رابطه انسان با فود.....	۳
۲) رابطه انسان با جامعه.....	۳
۳) رابطه انسان و طبیعت.....	۳
برفی دیگر از تأثیرات جهانی انقلاب اسلامی ایران از این قرارند.....	۴
تغییر معادلات سیاسی جهان و فروپاشی نظام دوقطبی ماکم بر جهان.....	۴
عکس العمل عمومی مردم در خاورمیانه در مقابل پیمان سنتو.....	۹
عکس العمل شوروی در برابر الحاق ایران به پیمان بغداد (سنتو).....	۱۰
تغییرات در سیستم دفاعی کشور.....	۱۱
ماهیت پیمان سنتو.....	۱۲
منابع.....	۱۵



تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در جهان، تغییر گفتمان حاکم بر جهان

در حکومت مبنی بر عدل عدالت و تعادل سه تحول اساسی در انسان شکل می گیرد که مولفه های امنیت و رفاه می باشند :

۱) رابطه انسان با خود

در این تحول به علت سلطه عقل بر نفس غلبه تفکر بر احساس عامل عدم تعادل ها و ناهنجاری های فکری و رفتاری که زمینه ساز بسیاری از نابسامانی های اجتماعی و عدم امنیت می باشد از بین می رود.

۲) رابطه انسان با جامعه

به علت دگرگونی دیدگاه ها و معیارها و هم چنین اقتدار خدشه ناپذیر حکومت روابط اجتماعی سیاسی اقتصادی متوازن و پایدار می باشد.

هم چنان که قرآن کریم می فرماید :

ولو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکت من السماء و الارض
اگر مردم مناطق و سرزمین ها ایمان بیاورند و با تقوا باشند حتما برکات آسمان و زمین را برای آنان می فرستیم و نازل می کنیم .

۳) رابطه انسان و طبیعت

پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی، یکی از مهمترین تحولات جهانی و منطقه در قرن بیستم به حساب می آید. ماهیت ایدئولوژیک و هویت اسلامی انقلاب ایران باعث شد تا نظام برگرفته از آن دارای ویژگی های -

خاص و منحصر به فردی باشد که در ابعاد بین المللی، از دیگر انقلابها و نظامهای سیاسی جهان متمایز و تاثیرگذاری آن نیز بر دیگر ملل جهان بویژه مردم مسلمان منطقه از یک سو و نیز بر سیاستهای نظام سلطه جهانی از سوی دیگر، کاملاً چشمگیر باشد.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی عموم نظریه پردازان انقلاب، فروپاشی نظام های حاکم را نه به خاطر قدرت انقلابیون، بلکه به خاطر ضعف ساختاری و کاهش توانمندی های رژیم های حاکم می دانستند و اصولاً معتقد نبودند که می شود علیه یک نظام قدرتمند و مستحکم قیام کرده و آن را شکست داد و به قول اسکاچ پل انقلاب ها می آیند و ساخته نمی شوند. پیروزی انقلاب اسلامی علیه رژیم قدرتمند شاه، که همه ابزار قدرت را در اختیار داشت و مورد حمایت همه قدرت های بزرگ جهان هم بود، تعجب و حیرت اندیشمندان و نظریه پردازان انقلاب را برانگیخت و موجب تغییر گفتمان انقلاب گردید. از این جهت نظریه پردازان به عامل بسیج نیروهای مردمی، سازماندهی انقلاب، ایدئولوژی و رهبری انقلاب عطف توجه نموده و در واقع انقلاب اسلامی به عنوان پدیده جدیدی مورد بررسی آنها قرار گرفت و به عبارت دیگر اعتراف نمودند که دسته دیگری از انقلاب ها نیز می تواند وجود داشته باشد که «نمی آیند بلکه ساخته می شوند».

برخی دیگر از تاثیرات جهانی انقلاب اسلامی ایران از این قرارند:

*** تغییر معادلات سیاسی جهان و فروپاشی نظام دوقطبی حاکم بر جهان:**

انقلاب اسلامی ایران در دوران جنگ سرد بین دو ابر قدرت جهان یعنی آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی به وقوع پیوست. در آن دوران جهان دوقطبی شده بود و

مسائل جهانی و راهبردهای دولتها عموماً با توجه به این واقعیت جهانی جریان می یافت. هر حرکتی علیه بلوک غرب به رهبری آمریکا، لزوماً می بایست سر از دامن بلوک شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی سر در می آورد و هر حرکتی علیه نظامهای کمونیستی وابسته به اتحاد جماهیر شوروی نیز به غرب به سرکردگی آمریکا وابسته بود. طبق این معادله انقلاب اسلامی ایران در کشوری که ژاندارم آمریکا در منطقه خوانده می شد می بایست برای پیروزی علیه نظام شاهنشاهی ایران به قدرت شرق یعنی شوروی وابسته شود. اما این انقلاب نه تنها معادلات سیاسی جهان را خدشه دار کرد بلکه راهبردهای منطقه ای این دو ابرقدرت را نیز دستخوش تغییر کرد و سپس باعث تغییراتی در راهبردهای جهانی آنها شد، زیرا با طرح شعار نه «شرقی نه غربی جمهوری اسلامی» یکی از اصول سیاست خارجی این انقلاب کاملاً مشخص شد. طبق این اصل، انقلاب اسلامی مسیری جدا از دیکتاتوری شرق و ظلم و ستم غرب در پیش گرفت به نظر می رسد تحول در الگوی موازنه قدرت جهانی ناشی از خروج ایران از هم پیمانی با آمریکا و نیز فروپاشی پیمان استراتژیک «سنتو» و شکل گیری رویدادهای سیاسی-نظامی پی در پی در چارچوب فضای رقابتی حاکم، به منظور کنترل حوادث و هدایت رویدادها به نفع خود توسط آمریکا و شوروی، سهم زیادی در تشدید فرایند دگرگون سازی نظام بین المللی به عهده داشت. پیش از ادامه موضوع اندکی به معرفی پیمان سنتو می پردازیم.

با پایان جنگ جهانی دوم، جهان با بحران جدیدی رو به رو گشت و عقاید کمونیستی به نحو غیر قابل باوری گسترش یافت. این گسترش که از زمان پیروزی شوروی بر آلمان با ایجاد احزاب چپ کمونیستی شروع شده بود پس از جنگ، هفت کشور اروپایی را به سوی خود کشید و حکومتهای سوسیالیستی را

بر سر کار آورد. در فرانسه و ایتالیا احزاب کمونیستی نفوذ و قدرت فراوانی یافتند و آمریکا به عنوان قدرت برتر پس از جنگ ناچار در صدد چاره جویی برآمد، علی الخصوص آنکه مناطق خاورمیانه نیز در معرض خطر قرار گرفتند و هر لحظه امکان داشت یکی از نواحی مهم مرز شوروی به کام کمونیسم سقوط کند. بدین ترتیب دولت انگلیس و متحد دیرینه‌اش آمریکا به فکر اجرای سیاست سد نفوذ و مهار عقاید کمونیستی در مرزهای طویل شوروی برآمدند و زمینه اتحاد و وحدت منطقه‌ای را برای مبارزه با آن در پیش گرفتند.

این اتحادهای منطقه‌ای از طریق پیمانهای دفاعی، سیاسی و اقتصادی انجام شد و در اروپا به نام پیمان آتلانتیک، در آسیا پیمان بغداد و در خاور دور با عنوان پیمان سنتو مشغول به کار شد و کمربندی به دور مرزهای شوروی کشید.

شایان ذکر است که در آن زمان خاورمیانه و ایرانیان هنوز با چهره جهان‌خوار آمریکا آشنا نشده بودند و به دلیل حمایت از ایران در برابر نیروهای شوروی در خروج از آذربایجان، در نزد ایرانیان مقبول بودند و گاه پاره‌ای از رجال یا سیاستمداران چون قوام السلطنه در طول دوران زمامداری خود سعی نموده بودند از حضور آمریکا در کشور تا حدی از زیاده خواهیها و زورگوییهای همسایگان شمالی (شوروی) و جنوبی (انگلیس) بکاهند. البته آغاز سیاست ایستادگی آمریکا در برابر گسترش کمونیسم در جهان را می‌توان ایستادگی آن دولت در برابر شوروی در مورد تخلیه ایران داشت. اندکی بعد زیاده خواهیهای روسیه در مورد بغازهای ترکیه و جنگ داخلی یونان در نهایت آمریکا را به حمایت از اروپا واداشت و به ایجاد پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) دست زد، تا با حضور نظامی خود در اروپا، وضعیت سیاسی آنجا را تثبیت کند. همزمان با تشکیل پیمان آتلانتیک، فکر ایجاد سازمان دفاعی خاورمیانه و خاور دور نیز در محافل غربی مطرح گشت به

طوری که در فوریه ۱۹۴۹ م (بهمن ۱۳۲۸ ش) نجم الدین صادق وزیر امور خارجه ترکیه اظهار داشت: «دولت متبوع او ادامه و تکمیل سیستم دفاعی آتلانتیک را از طریق یک پیمان مشابه در خاورمیانه مورد مطالعه قرار داده است».

چندی بعد کنستانتین تسالداریس وزیر امور خارجه یونان تأیید کرد و گفت با انعقاد پیمان دفاعی بین ترکیه، یونان، مصر، عراق، لبنان، عربستان سعودی، اردن، ایران و پاکستان موافق است. این توافق که با ارسال اسلحه و جنگ افزارهای مدرن به عراق و مصر و اردن و ترکیه کامل شد، در ۲۵ مه ۱۹۵۰ م منجر به اعلامیه مشترک انگلیس و امریکا گردید که در آن اعلامیه سه دولت انگلیس و امریکا و فرانسه، ایجاد پیمان دفاعی خاورمیانه را مد نظر قرار داده بودند. آنان در اکتبر سال ۱۹۵۱ م (مهر ۱۳۳۰ ش) در پایان کنفرانس آنکارا تأسیس فرماندهی نظامی خاورمیانه را مفید دانستند و یادداشتهایی به کشورهای خاورمیانه ارسال کردند و آنان را برای شرکت در یک پیمان منطقه‌ای تشویق کردند، اما از ارسال یادداشت به دولت ایران خودداری ورزیدند، زیرا در آن هنگام اختلاف ایران و انگلیس بر سر مسئله نفت به اوج خود رسیده بود و اصولاً شرکت در پیمانهای نظامی با سیاست موازنه منفی حکومت دکتر مصدق تطبیق نداشت.

دولت مصر نیز به عنوان واکنش به این یادداشت قرارداد ۱۹۳۶ م خود را با انگلستان به صورت یک جانبه لغو کرد. دولت شوروی هم یادداشت شدید اللحنی برای دول غربی و هشدارهایی به دولتهای خاورمیانه داد و آنان را از مشارکت در دسته بندیهای نظامی ضد شوروی بر حذر داشت.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش و سقوط دولت ملی دکتر مصدق، جان فاستر دالاس وزیر خارجه امریکا و آنتونی ایدن وزیر خارجه انگلیس تلاش برای تأسیس

سازمان دفاعی خاورمیانه را که می‌بایست مکمل پیمان آتلانتیک شمالی باشد از سر گرفتند.

آغاز گفتگوهای الحاق رسمی ایران به پیمان بغداد (سنتو) همزمان با صدارت حسین علاء بود. فاستر دالاس دوست قدیمی علاء در زمان سفارتش در امریکا، که به تازگی به وزارت امور خارجه امریکا رسیده بود، در یک دیدار رسمی در ایران، از الحاق ایران به پیمان اظهار خوشوقتی کرد و علاء نیز متذکر شد که حضور دولت امریکا در این پیمان و دوستی با امریکا، ایران را در برابر خطر کمونیسم حفظ خواهد کرد.

در نهایت ایران در ۳۰ مهر ۱۳۳۴ ش (۲۲ اکتبر ۱۹۵۵ م) به پیمان بغداد ملحق شد، اما دولت امریکا به چند دلیل از شرکت در این پیمان خودداری ورزید و فقط به شراکت در کمیته‌های نظامی اکتفا نمود، چرا که نمی‌خواست مصر را از خود برنجانند و از همه مهمتر این که در آن تاریخ هنوز خاورمیانه تحت نفوذ اختصاصی انگلستان بود و این کشور مایل بود خود سرپرستی پیمان بغداد را بر عهده داشته باشد.

تشکیلات سازمان پیمان مرکزی (cen.t.o (central treaty organization سازمان پیمان مرکزی، سنتو، سازمان دفاعی دسته جمعی کشورهای ترکیه، ایران، پاکستان و انگلستان بود که امنیت مشترک منطقه را در مقابله با گسترش کمونیسم بر عهده داشت. امریکا با دادن بودجه‌ای برابر دولت انگلیس بدون عضویت، بر اغلب کمیته‌ها نظارت می‌کرد.

این سازمان شامل شورای مرکزی بود که سالی یک بار در پایتخت یکی از کشورهای عضو به ریاست نخست وزیر یا وزیر امور خارجه متبوع برگزار می‌گردید و به امور مختلف این پیمان رسیدگی می‌نمود. البته این شورا دارای شورای -

ت

معاونین بود که هر دو هفته یک بار در مرکز دبیرخانه سنتو در آنکارا و از سفرای کشورهای عضو و سفیر کبیر امریکا و انگلیس تشکیل می‌شد. شورای عالی یا شورای مرکزی شامل چهار کمیته اصلی: نظامی، اقتصادی، بهداشت، کشاورزی، ضد خرابکاری و روابط تشکیل می‌گردید و هدف همه این کمیته‌ها تقویت بخش نظامی و تسهیل فعالیت آنها بود. دبیرخانه‌ای نیز وجود داشت که وظیفه حفظ و ارتباط با سایر سازمانهای بین المللی را بر عهده داشت و این پست تنها در خدمت ایران بود و عباسعلی خلعتبری عهده دار این مقام بود. با این تشکیلات انگلستان و امریکا کلیه فعالیتهای حیاتی منطقه را در دست گرفته بودند و بر حوزه وسیعی از خاورمیانه نظارت می‌کردند.

عکس العمل عمومی مردم در خاورمیانه در مقابل پیمان سنتو

در بین مردم ایران این پیمان با توجه به مبارزاتی که در خلال جریان نهضت ملی نفت بر علیه انگلیس انجام شده بود، چندان خوشایند نمی‌نمود. آزادیخواهان و وطن پرستان این اقدام را مورد نکوهش قرار دادند. از این میان نواب صفوی و جمعیت فدائیان اسلام بودند که بلافاصله در مقابل این اقدام عکس العمل نشان دادند و فوراً نقشه قتل حسین علاء نخست وزیر وقت را پی ریزی کردند. بدین ترتیب یکی از اعضای فدائیان اسلام به نام مظفر علی ذوالقدر مامور اجرای این نقشه شد و در روز ۲۵ آبان ۱۳۳۴ ش هنگامی که حسین علاء در مسجد شاه در مجلس ترحیم سید مصطفی کاشانی نماینده مجلس و فرزند آیت الله کاشانی حضور یافت، مورد سوء قصد قرار گرفت ولی گلوله از لوله اسلحه خارج نشد و ضارب با دسته اسلحه محکم بر سر علاء کوبید و حسین علاء را به سختی از ناحیه سر مجروح ساخت.

حسین علاء فردای آن روز در حالی که سرش باند پیچی بود، برای شرکت در کنفرانس پیمان بغداد عازم عراق شد. فرماندار نظامی تهران همان روز دستور پیگیری فدائیان اسلام را صادر نمود و در اول آذر ۱۳۳۴ ش سید مجتبی نواب صفوی رهبر جمعیت فدائیان اسلام و اعضای اصلی آن از طرف مامورین فرماندار نظامی بازداشت گشتند و در دادگاه نظامی دادگاهی و به اعدام محکوم گشتند. به دنبال این جریان آیت الله کاشانی مبارز نستوه، دکتر مظفر بقایی، علی زهری، حسین مکی و عبدالقدیر به اتهام شرکت در ترور رزم آرا بازداشت شدند.

آیت الله کاشانی در جریان بازرسی صریحاً اظهار نمودند که: «من مجتهد جامع الشرایط هستم و تشخیص دادم رزم آرا مهدورالدم است، لذا فرمان قتل او را صادر نمودم». اندکی بعد رژیم به دلیل بحرانی بودند اوضاع؛ آیت الله کاشانی، دکتر بقایی و سایر بازداشت شدگان را آزاد نمود.

در کشور عراق نارضایتی مردم از رژیم خودکامه و عضویت در پیمان بغداد رنگ و بوی شدیدتر داشت به طوری که این نارضایتی منجر به قیام و سرانجام کودتای ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ م (۲۳ تیر ۱۳۳۷ ش) گردید. ملک فیصل پادشاه عراق وعده زیادی از مقامات آن کشور به قتل رسیدند، رژیم سلطنتی در عراق باطل و رژیم جمهوری برقرار شد و دولت جدید عراق خروج این کشور را از پیمان بغداد اعلام نمود. این امر موجب خوشنودی روسیه گشت و لیکن پیمان بغداد منحل نشد و به نام پیمان سنتو به آنکارا منتقل گشت.

عکس العمل شوروی در برابر الحاق ایران به پیمان بغداد (سنتو)

دولت اتحاد جماهیر شوروی پس از مرگ استالین سیاست همزیستی مسالمت آمیز را در پیش گرفت و به مجرد الحاق ایران به پیمان بغداد (سنتو) سه یادداشت

اعتراض آمیز پی در پی به ایران فرستاد، چرا که کلاً یکی از اصول سیاست خارجی شوروی مخالفت شدید با هر نوع گروه‌بندی ضد کمونیستی بود. دولت ایران جوابیه‌ای به این سه یادداشت اعتراض آمیز داد. طی یادداشت رسمی به دولت شوروی اطمینان داد که به هیچ کشوری اجازه تأسیس پایگاه پرتاب موشک در خاک ایران داده نخواهد شد و این پیمان تنها یک پیمان دفاعی می‌باشد. بدین ترتیب دولت شوروی نمایندگانی برای مذاکره و عقد یک پیمان همکاری عدم تجاوز به ایران فرستاد و سرانجام مذاکرات مذکور در ۱۱ آذر ۱۳۳۳ به امضای موافقتنامه حل مسائل مرزی ایران و شوروی انجامید. و به دنبال آن تکلیف ۲۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک بین دو کشور روشن و طلاهای ایران مسترد شد.

تغییرات در سیستم دفاعی کشور

پس از الحاق ایران به پیمان بغداد، چون تجهیزات و جهازات جنگی کشورهای عضو پیمان می‌بایست یکسان می‌شد، تغییرات دامنه داری در ارتش ایران داده شد و سازمان جدیدی تحت نظر و مشورت مستشاران نظامی امریکایی پی ریزی گردید. تشکیلات ارتش ایران تغییر کرد و پنج سپاه به جای لشکرهای سابق ایجاد گشت، به طوری که به جای ستاد ارتش، ستادهای نیروی زمینی و هوایی و ستاد کل تشکیل گردید و کلیه کشورهای عضو موظف شدند که در ارتش جدید از اسلحه و سلاحها و مهمات امریکایی استفاده نمایند. دولت امریکا جهت دستیابی دول فوق به این تشکیلات طی چند دوره، کمکهای بلاعوض و وامهای گران قیمت در اختیار ایران نهاد.

بدین ترتیب در اول شهریور ۱۳۳۴ ش ستاد ارتش ایران با سازمان جدیدی که مقتبس از سازمان نظامی امریکا بود آغاز به کار کرد. سپهبد عبدالله هدایت به ریاست ستاد مشترک و سرلشکر هدایت گیلانشاه به ریاست ستاد هوایی منصوب شدند. سرلشکر میرجلالی معاونت ستاد مشترک و سرلشکر احمد وثوق سمت وزارت جنگ را بر عهده گرفتند. در پانزدهم همان ماه در ستاد ارتش اداره‌ای به نام اطلاعات تشکیل شد. این اداره همه روزه اخبار محرمانه نیروهای سه گانه را جمع آوری و تسلیم رئیس ستاد می‌نمود. به دنبال این تغییرات امریکا در ۲ تیر ۱۳۳۵ ش چهار هواپیمای جت و در ۳۰ تیر سی عرّاده توپ نود میلی متری از محل کمکهای نظامی امریکا به ایران داد و به کشورهای عضو پیمان سنتو وعده ارسال کمکهای نظامی داد.

ماهیت پیمان سنتو

پیمان سنتو گرچه در ظاهر یک پیمان دفاعی مشترک بین کشورهای خاورمیانه بود ولی در واقع در راستای اهداف استعماری انگلستان در خاورمیانه قرار داشت، به طوری که خط دفاعی ایران در مقابل تهاجم احتمالی شوروی مانند تقسیم بندیهای پیشین دول استعماری در سالهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۱ م، کوههای زاگرس در نظر گرفته شده بود، امری که از همان ابتدا مورد اعتراض ایران قرار داشت. بدیهی است که هدف اصلی این تقسیم بندی حفظ چاهها و ذخائر نفتی خاورمیانه و ایران بود که در تسلط انگلیس و امریکا قرارداشت. بدین ترتیب مشخص بود که این پیمان و فعالیت گروههای مختلف آن تنها در راستای اهداف استعماری دول خارجی قرار داشت و در عمل ضامن استقلال و تمامیت ایران نبود.

فریدون سنجر یکی از نمایندگان ایران درباره این پیمان در خاطرات خود می‌نویسد: در همان هفته اول ورودم به ستاد نظامی پیمان در بغداد متوجه شدم که این پیمان قبل از هر چیز و بیش از هر چیز، یک سازمان سیاسی تبلیغاتی است و کار آن بیشتر تشکیل کنفرانسها و شوراها و ماهیانه و شش ماهه و سالیانه با عکس و تفضیلات و برگزاری میهمانیهای شبانه و کوکتل پارتیها است. البته برای خالی نبودن عریضه یکی دو سه پرونده به نام طرح هم تهیه شده بود که بیشتر شامل اطلاعاتی ناقص از قدرت نظامی و گسترش نیروهای سه گانه شوروی بود. غیر از اینها پرونده به درد بخوری که به عنوان طرح دفاعی شود آن را روی نقشه پیاده کرد، ارائه نمی‌کرد و معلوم نبود که نیروهای عضو پیمان روی کدام خط دفاعی گسترش پیدا می‌کنند و عملیات خود را به چه ترتیب با هم هماهنگ خواهند کرد. حتی از نظر تعیین یک خط دفاعی کلی هم از ابتدا اختلافات شدید وجود داشت.

به دنبال کشف چاه نفت البرز در نزدیکی قم در تاریخ ۱۳۳۵ ش که در نهایت توسط متخصصین امریکایی به بهره‌برداری رسید، منطقه البرز نیز منطقه نظامی اعلام شد و دو گردان سرباز به فرماندهی سرلشکر آریانا به محافظت در آن پرداختند. از این به بعد پیمان سنتو سلسله جبال البرز را جهت دفاع و مقاومت در برابر حمله احتمالی شوروی مد نظر قرار داد.

پیمان سنتو پس از جریان جنگهای هند و پاکستان و تأسیس کشور بنگلادش سست شد. تبلیغات شوروی نیز بر علیه این پیمان بسیار کارساز بود. با خروج نیروهای انگلیسی از مناطق واقع در شرق سوئز از جمله خلیج فارس در آذر ۱۳۵۰ ش، یک بار دیگر توجه همگان به پیمان سنتو جلب شد.

اندکی بعد نیکسون رئیس جمهور امریکا اعلام نمود که از این به بعد کشورهای منطقه می‌بایست خودشان مسئولیت امنیت و دفاع از خود را بر عهده بگیرند. بدین ترتیب زوال پیمان سنتو نمایان شد. دولت ایران یک ماه پس از پیروزی انقلاب در ۲۱ اسفند ۱۳۵۷ ش پس از ۲۳ سال از پیمان سنتو خارج گردید. پیمان سنتو در فروردین ماه ۱۳۵۸ ش رسماً منحل گشت. موضع انقلاب اسلامی در روابط با ابرقدرت‌های دوره جنگ سرد و نفی سلطه آنها و پرهیز از فرو رفتن در قالب یکی از اردوگاه‌های کلاسیک، باعث ورود نیروی سومی در صحنه روابط بین‌المللی گردید. نیرویی که از پتانسیل بالابرای تحول‌آفرینی برخوردار بود و موضعی تهاجمی نسبت به نظام دو قطبی حاکم بر عرصه بین‌المللی داشت. این نیرو علی‌رغم قرار داشتن در شرایط بی‌توازی قدرت نسبت به دو ابرقدرت سنتی یعنی آمریکا و شوروی، توانست روابط بین‌المللی را تحت الشعاع قرار داده و روابط متقابل و یا یکسویه موجود در اردوگاه‌های دوگانه را دچار تزلزل نماید و روحیه اعتراض نسبت به نظام سلطه دوقطبی را در میان دولتها ایجاد نماید. مواضع قوی، ناسازگارانه، تهاجمی و مستحکم امام خمینی (ره) و خط مشی روشنگرانه ایشان در خصوص مناسبات استعماری و سلطه‌گری حاکم بر نظام بین‌المللی، به بیداری ملتها، تقویت خود آگاهی و اعتماد به نفس دولت‌های استقلال‌گرا کمک نمود و به تدریج زمینه واگرایی و گسست نظام سلطه دو قطبی را فراهم کرد.

انقلاب اسلامی ایران با طرح اصول و مفاهیمی همچون عدالت طلبی، آزادیخواهی، نفی سلطه طلبی، ظلم ستیزی و مبارزه با استکبار جهانی در فضای نظام بین‌الملل و مبنا قرار دادن اصل «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی»، خود را خارج از قطب بندی‌های رایج در نظام جهانی قرار داد.

امام خمینی (ره) در این باره می فرمایند: «ما معادله جهانی و معیارهای اجتماعی و سیاسی ای که تا به حال به واسطه آن تمام مسائل جهان سنجیده می شده است را شکسته ایم. ما خود چارچوب جدیدی ساخته ایم که در آن عدل را ملاک دفاع و ظلم را ملاک حمله گرفته ایم از هر عادل دفاع می کنیم و بر هر ظالمی می تازیم... ما این سنگ بنا را خواهیم گذاشت. امید است کسانی پیدا شوند که ساختمان بزرگ سازمان ملل و شورای امنیت و سایر سازمانها و شوراها را بر این پایه بنا کنند، نه بر پایه نفوذ سرمایه داران و قدرتمندان که هر موقعی که خواستند هر کسی را محکوم کنند بلافاصله محکوم نمایند» (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۶۰).

منابع:

هوشنگ ازغندی، دولت دست نشانده، (تهران، قومس، اول، ۱۳۷۶)
انقلاب اسلامی و استعمار فرانو در منطقه، مجید صفات